

عوامل جذب جهانگرد به اصفهان در دوره صفویه

علی اکبر جعفری

یکی از مسائلی که در چند سال اخیر، بویژه به دنبال مشکلات ناشی از کاهش درآمدهای ارزی نفت، توجه مسؤولان امور اقتصادی و متولیان امور اداره کشور را به خود جلب کرده است، استفاده از سایر منابع درآمدزا می باشد، به خصوص منابعی که کوچکترین هزینه‌ای را برای دولت به همراه نداشته باشد. در همین راستا و به دلیل زمینه و عوامل مساعد صنعت گردشگری (توریسم) به آن به عنوان یکی از عوامل درآمدزا، توجهی خاص مبذول شده است. اگر چه توسعه و پیشرفت این صنعت در ایران با موانع و مسائلی روبه‌روست و توسعه این صنعت در ایران هنوز مراحل اولیه خود را می‌گذراند، لیکن کاهش روزافزون سایر درآمدهای ارزی از یک سو و موفقیت برخی کشورهای جهان در تأمین بخش عظیمی از درآمد خود از طریق صنعت گردشگری از سوی دیگر، زمینه‌های توجه بیشتر و گسترش روزافزون این صنعت را در ایران فراهم آورده است. برپایی همایش‌های جهانگردی و جذب گردشگر (توریست) در زمانها و مکانهای مختلف، به خصوص توجه بسیار زیاد به هفته جهانگردی، نگارنده را بر آن داشت تا با بررسی یکی از ادوار طلایی توجه اروپاییان و غیراروپاییان به ایران، علل و عوامل این توجه گسترده را بررسی و مشخص نماید، در این مورد شهر اصفهان به عنوان یک نمونه مطالعه موردی مد نظر قرار گرفته است.

شنیده‌ها و دیده‌های خود را به صورت نوشتاری و گفتاری برای سایر هموطنان خویش به یادگار گذاشته و به همین لحاظ زمینه ترغیب و تشویق آنها را برای مسافرت به ایران فراهم آورده‌اند. ضمن آنکه هر یک از این مسافران، جدای از مأموریت و هدف اصلی خویش، به مانند یک تاجر، یک جهانگرد و یک مسافر، گوشه گوشه شهر را دیده، با مردم حشر و نشر داشته، تصویر کشیده، خاطرات نوشته و... به همین دلیل آنها را به عنوان جهانگرد مطرح می‌نمایم تا شاید راهکارهای جذب بیشتر گردشگر را شناسایی نمایم.

اصفهانی که در این مقاله مورد توجه قرار گرفته است، اصفهان عصر صفوی بویژه زمان شاه عباس است. اصفهان پس از آنکه به عنوان پایتخت شاه عباس برگزیده شد و در مدتی کمتر از سه دهه، آنچنان جایگاه رفت و آمد اروپاییان و آسیایی‌ها شد که در تاریخ سیاسی ایران کم‌نظیر است. آنچه که در همین ابتدا لازم است تذکر داده شود، این است که اگر چه نمی‌توان به تمام مسافران خارجی این دوران که به اصفهان آمده‌اند، عنوان جهانگرد (توریست) داد، ولی بسیاری از اینان با هر هدف و مقصودی که آمده باشند، خاطرات،

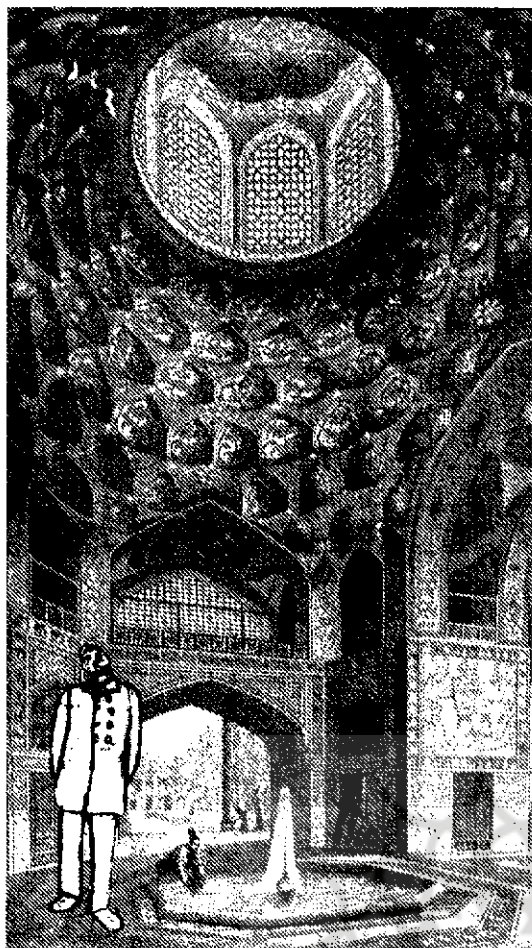
الف - زمینه‌های سیاسی

یکی از مهمترین زمینه‌های جذب اتباع خارجی به اصفهان در دوره صفوی، انتخاب آن به عنوان مرکز اصلی سیاست و حکومت ایران بوده است. این امر، که خود یکی از دلایل جاذبه اصفهان را فراهم آورده است، به همراه نتایجی که از آن حادث شد را می‌توان با عنوان زمینه‌های سیاسی اصفهان طرح و بررسی نمود.

۱- پایتختی اصفهان

پایتخت، نماینده شهرها و در صدر فرهنگ و تمدن جغرافیای سیاسی هر ملت قرار دارد. شهرهایی که افتخار پایتختی یافته‌اند، توانسته‌اند بهره‌های بسیار ببرند و نام خود را در تاریخ ایران و جهان زنده نگه دارند.^۱ اصفهان نیز به مانند برخی دیگر از شهرهای ایران در دوره‌های مختلف افتخار پایتختی را به دست آورده است که از این میان، انتخاب این شهر به عنوان پایتخت صفویان به امر شاه عباس در سال ۱۰۰۶ هـ ق^۲ نقطه عطفی در تاریخ این شهر محسوب می‌شود. انتخاب این شهر جدای از تمامی دلایلی که موجب آن شد، نتایجی را به همراه داشته است که در بحث جذب گردشگر به اصفهان مؤثر می‌باشد. زمانی که شهر اصفهان به عنوان پایتخت انتخاب می‌شود، شهری با سابقه اما کوچک، نیمه ویران، فراموش شده و خاموش بوده است، اما پس از چندی تبدیل به شهری در ردیف تخت جمشید و شوش زمان قدیم و یاپکن و ورسای زمان اخیر می‌گردد.^۳

گسترش و پیشرفت شهر از نظر کیفی و کمی به دنبال پایتخت شدن شهر به خودی خود زمینه پذیرش و پذیرایی نمایندگان خارجی را فراهم آورده است، بنابراین هر یک از اروپاییانی که در آن دوران از اصفهان دیداری داشته و دست به قلم برده‌اند، آن را در ردیف شهری بزرگ معرفی نموده‌اند و همین امر زمینه را برای مسافرت افراد دیگر فراهم آورده است.



۲- توسعه سیاست درهای باز

یکی از مسائل کاملاً مشهود در شهر اصفهان در زمان شاه عباس، توسعه سیاست درهای باز است. شاه عباس علی‌رغم سن کم و تجربه اندک، در همان آغاز پادشاهی اش به گونه‌ای عمل کرد که ضمن آنکه وام‌دار هیچ شخص، طایفه و گروه و کشوری نباشد، دیگران را نیز مشتاق و علاقه‌مند به داشتن رابطه با خودش نماید.

۱- مرتضی نورایی. پایتخت‌های ایران (از ظاهریان تا صفویان)، کنفرانس بین‌المللی ایران‌شناسی، کمبریج، سپتامبر ۱۹۹۴، ص ۱۸.

۲- اسکندریگ ترکمان. تاریخ عالم‌آرای عباسی، به سعی و اهتمام ایرج افشار (جلد دوم)، تهران و اصفهان، انتشارات امیرکبیر تهران و تأیید اصفهان، چ دوم، ۱۳۵۰، ص ۵۴۴.

۳- خانبابا بیانی. تاریخ نظامی ایران در دوره صفویه، تهران، انتشارات ستاد بزرگداشت ارتشداران، ۱۳۵۳، ص ۴۴.

کشتار سران ایلات و قبایلی که احتمال تمرّد و عصیان از آنها می‌رفت؛ استقبال، پذیرایی و تودیع سرد نمایندگان دولتهای خارجی که بوی تجاوز و خیانت از رفتار آنها به مشام می‌رسید و... رفتاری معمولی برای شاه‌عباس به نظر می‌رسید، اما علی‌رغم تمام این مسائل، در تمام این دوران شاهد تمایل ایلات و قبایل و دولتهای خارجی برای داشتن رابطه با شاه‌عباس هستیم. رفتار مسالمت‌آمیز او با اقلیت‌ها و گروههای مهاجر، بویژه با مسیحیان و ارامنه هیچ‌گاه موجب خدشه‌دار شدن روحیه استبدادی شاه نشد و آنچنان زمینه‌های جذب مسافران را به اصفهان فراهم آورد که درخور توجه می‌باشد. پاپ کلمان هشتم که فقط شنیده‌هایش از رفتار شاه‌عباس او را به وجد آورده بود، هیأتی شامل سه تن از کشیشان فرقه کرملی را طی نامه‌ای رسمی به حضور شاه معرفی نموده، از او درخواست امکان تبلیغ برای آیین مسیحیت می‌نماید.^۴ جلفای ساخته شده در حاشیه زاینده‌رود آنچنان محبوب قلوب مسیحیان می‌شود که بسیاری از آنان در وصایای خود، تأکید می‌نمایند که پس از مرگ، جنازه آنها به اصفهان منتقل شود و در آنجا دفن گردد.^۵

سیاستی که شاه‌عباس در دوران حکومت خود در اصفهان پیش گرفته بود، استفاده بهینه از شرایط موجود برای پیشبرد اهداف خود بوده است. او در عین تندخویی و صلابت، از رفتار ملاحظت‌آمیز خودداری نمی‌کرد. اگر با هند در مالکیت قندهار اختلاف داشت و آنجا را متصرف شد، برای عالم‌خان، سفیر هند در اصفهان، آنچنان روزگار خوشی را فراهم آورده بود که قابل قیاس نبود؛ و اگر نیازمند رابطه با پادشاه اسپانیا نبود، آنچنان تودیع سردی با فیگوئروا، سفیر پیر اسپانیایی داشته که او را به بدگویی و می‌دارد. این درشتی و نرمی که در سیاست و عملکرد شاه در شهر اصفهان بعینه قابل مشاهده است، به حدّی زمینه جذب مسافران را به اصفهان فراهم می‌آورد که

چارلز اول، پادشاه انگلستان را که امکان مسافرتش به ایران نیست، علاقه‌مند به فرهنگ ایرانی نموده، به نحوی که از شرکت هند شرقی درخواست چند قطعه خطوط فارسی می‌نماید.^۶

۳- اداره صحیح شهر اصفهان

یکی از اصلی‌ترین عوامل جذب مسافران خارجی به داخل کشور، برخورداری از قوانین و مقررات مدنی و نهادهای اداری - سیاسی کامل در شهرها می‌باشد. این عوامل که تضمین‌کننده امنیت جانی و مالی مسافران خارجی می‌باشد، هرگاه به‌طور جدّی مورد توجه قرار گرفته، زمینه جذب مسافر بیشتری را فراهم نموده است. بنابر گزارشات به‌جا مانده از دوره صفویه، وجود شخصی مقتدر، همچون شاه‌عباس، در رأس کار که از یک‌سو با اقداماتی از قبیل رفت و آمد در شهر با لباس مبدل و... از حال و روز رعایا خبر داشته و از سوی دیگر با انتخاب افراد با فضیلت برای مناصب اداری شهر، سعی در اجرای عدالت سیاسی داشته است، امکان مسافرت و اقامت سیاحان اروپایی را در شهر فراهم آورده است.

نهادهای سیاسی که در این دوران شکل گرفته یا احیا می‌شدند به همراه متوّلان این امور که عموماً از میان معاریف و خاندانهای سرشناس شهری و در نهایت کسانی که توانایی انجام کار را بر عهده داشتند، انتخاب می‌شدند، آنچنان درخور توجه است که برخی از اروپاییان همچون شاردن و کمپفر - با رعایت احتیاط در قضاوت‌های آنان - با صبر و حوصله تمام به شرح و تفصیل وظایف هر یک از

۴- ژان شاردن. *سفرنامه شاردن*، ترجمه محمد عباسی (جلد هفتم)، تهران، امیرکبیر، ۱۳۴۵، صص ۲۱۱-۲۱۰.
۵- علی جواهر کلام. *زنده رود* (جلد اول)، تهران مطبعه مهر ۱۳۱۳، ص ۵۹.

۶- سرپرسی سایکس. *تاریخ ایران*، ترجمه سید محمدتقی فخرداعی، جلد دوم، انتشارات دنیای کتاب، چ پنجم، ۱۳۷۰، ص ۲۸۱.

این اربابان مناصب پرداخته و گنجینه‌ای پر بها برای ما به یادگار گذاشته‌اند. یکی از همین اقدامات، واگذاری اداره امور جلفا به برگزیدگان آرامنه جلفا و نیز جاری بودن حدود و قوانین مجازاتهای آن قوم در این سرزمین جدید بوده است.^۷ همین امر که نتیجه آن احساس امنیت برای مسافران و مهاجران را در پی داشته، از عوامل جذب توریست در این دوره محسوب می‌شود.

ب- زمینه‌های اجتماعی

یکی دیگر از زمینه‌های جذب افراد خارجی به اصفهان، در دوره صفوی، مسائل اجتماعی است که برخی از آنها عبارت‌اند از:

۱- سلامت و بهداشت عمومی

سلامت و صفای آب و هوای اصفهان، که موجب دوری بلائی طبیعی از این شهر شده است را باید در زمره اولین زمینه‌های اجتماعی جذب گردشگران به اصفهان در نظر گرفت. اگر چه این مسائل را باید در جنبه‌های طبیعی و موقعیتی شهر در نظر گرفت، لیکن باید گفت با وجود برخی آلودگیهای شهر که در گزارشهای اروپاییان آمده است، در اصفهان از وجود بلائی طبیعی همچون زمین‌لرزه و بادهای خشن و همچنین بیماریهای مسمری و عمومی خبری نیست. این گفته به معنای نفی مطلق بیماریها نیست بلکه در یک مقایسه نسبی با شهرهای دیگر باید گفت اصفهان از سلامت کامل برخوردار بوده است. اگر برخی نویسندگان اروپایی از گل و لای و ذرات گرد و غبار و چاله‌های کثیف در معابر و کوچه‌ها و میدان شهر سخن می‌گویند،^۸ اما از مأموران نظیف و آب‌پاشی معابر و میادین نیز یاد کرده‌اند^۹ و بررسی هر دو نظر، لازمه یک قضاوت صحیح است. پیرلوتی، با وجود آنکه دو قرن بعد از این دوران از اصفهان دیدن نموده، از توصیف آن‌همه زیبایی طبیعی و درختان و باغهای سرسبز و گنبدهای فیروزه‌ای شهر وامانده و عنان از کف می‌دهد.^{۱۰} بدون شک

همین زیبایی‌های طبیعی و مطبوع شهر اصفهان بوده که دولیه دلند اروپایی، از همراهان تاورنیه را واداشته تا کتابی با نام *زیبایی‌های ایران* بنویسد که خود می‌تواند حکایت از توجه اروپاییان به جنبه‌های سلامت و بهداشت شهر اصفهان بنماید.

۲- آزادیهای مذهبی

یکی از خصوصیات شاه‌عباس، تسامح و تساهل مذهبی بوده است. او با وجود اظهار ارادت به حضرت علی(ع) و تعلق خاطر شدید به مذهب تشیع، نسبت به پیروان سایر ادیان از چنان گذشتی برخوردار بوده است که اروپاییان را به شک انداخته و برخی را بر این باور، که او به‌راستی تمایل دارد تا به آیین مسیحیت درآید. او در عین تأکید بر انجام مسائل شرعی اسلام، به‌راحتی و به هنگام نیاز و یا تمایل، همه قوانین اسلامی را زیر پا می‌نهاد و حتی در ایام ماه رمضان در جشن آرامنه شرکت می‌کرد و شراب می‌نوشید.^{۱۱} فعالیت‌های گسترده مبلغان مذهبی مختلف، که در این ایام در اصفهان حضور داشته و به تبلیغ می‌پرداختند، از دیگر رفتارهای شاه‌عباس در اعطای آزادی مذهبی می‌باشد. همین امر باعث شده تا پس از شیعیان، مسیحیان بیشترین گروه شهروندان اصفهانی را تشکیل دهند.

آزادی مذهبی ایجاد شده در شهر شامل سایر فِرَق نیز می‌شد به‌نحوی که زرتشتیان و حتی

۷- ژان باتیست تاورنیه. *سفرنامه تاورنیه*، ترجمه ابوتراب نوری، تحدید نظر حمید شیرانی، تهران و اصفهان، انتشارات کتابفروشی سنایی تهران و تأیید اصفهان، بی‌تا، ص ۵۶.

۸- جملی‌کاری. *سفرنامه جملی‌کاری*، ترجمه عباس نخجوانی و عبدالعلی کارنگ، تبریز، انتشارات اداره کل فرهنگ و هنر آذربایجان شرقی با کمک مؤسسه فرانکلین، ۱۳۴۸، ص ۶۳.

۹- همان، ص ۶۴.

۱۰- پیرلوتی. *سفرنامه به سوی اصفهان*، ترجمه بدرالدین کتابی، تهران، انتشارات اقبال، ۱۳۷۲، ص ۱۹۷.

۱۱- نصرالله فلسفی. *زندگانی شاه‌عباس اول* (جلد دوم)، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چ دوم، ۱۳۷۱، ص ۶۴۰.



مراسم عزاداری
امام حسین (ع)
(سفرنامه)
مادام دیولانوا

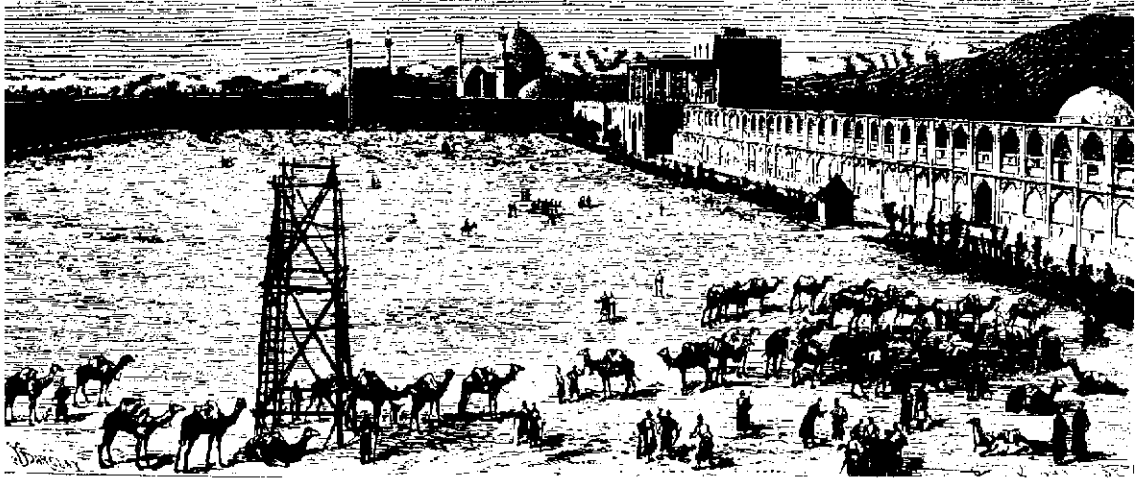
که بین ملل مختلف وجود دارد، طبیعتاً افراد علاقه‌مند را به جست‌وجوی بیشتر وامی‌دارد. برپایی جشنهای مکرر عید نوروز، گل‌ریزان، عید اضحی و ایام سوگواری محرم و بیست و یکم ماه رمضان و... با آداب و رسومی چون قربانی کردن شتر طی مراسمی ویژه^{۱۲} و یا به راه افتادن هیأت‌های عزاداری از محلات مختلف و درگیریهایی که ثواب مجروح شدنش، بهشت اخروی بوده است،^{۱۳} آنچنان برای اروپاییان جالب و کم‌نظیر بوده که ضمن شرح و تفصیل آن از طریق نامه - به مانند آنچه دلاواله انجام داده است و یا با نوشتن شرح خاطرات آنچنان که دیگران انجام داده‌اند - حتی تصاویری از آنها ترسیم نموده‌اند که امروزه زینت‌بخش سفرنامه‌های موجود از دوران صفویه می‌باشد. چاپ و انتشار این گزارشها در اروپا، انگیزه لازم را برای تمایل گروههای بعدی فراهم آورده است که مطالب سفرنامه‌های بعدی مؤید این مطلب است.

هندوها نیز در این شهر آداب مذهبی خود را به جای می‌آوردند و با مشکلی روبه‌رو نبودند. ناگفته نماند که اگر شاه احساس می‌کرد که گروهی - با هر آیین و مذهبی - اختلافات و مشکلاتی را برایش ایجاد خواهد نمود، بدون کوچکترین اغمازی و با شدت با آنها برخورد می‌کرد، خواه شیعه، خواه مسیحی و یا زرتشتی و...

۳- بزرگداشت اعیاد و سوگواری‌ها

یکی از جنبه‌های زندگی اجتماعی شهروندان اصفهانی در دوره صفویه که سخت مورد توجه اروپاییان قرار گرفته است، برپایی مراسم ویژه در شهر اصفهان به مناسبت اعیاد و سوگواریها می‌باشد. برپایی مراسم جشن و شادی در مناسبتهای شادی بخش ملی و مذهبی و احترام و عزاداری در مناسبتهای حزن‌آور بویژه وفیات را باید در راستای توسعه امنیت و آرامش اجتماعی توجیه کرد. همین امر خود موجبات جذب مسافران را فراهم می‌نمود، ضمن آنکه خلوص نیت و پاکی طینت ساکنان شهر، که بعضاً برای اروپاییان قابل درک نبوده است، آنچنان صفا و لطافتی به این مراسم می‌داد که کمتر اروپایی‌ای را سراغ داریم که از آن غافل مانده باشد. همچنین تفاوت‌های فرهنگی

۱۲- پیترو دلاواله. سفرنامه پیترو دلاواله، ترجمه شعاع‌الدین شفا، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چ دوم، ۱۳۷۰، صص ۱۱۲-۱۱۰.
۱۳- همان، ص ۱۲۶.



میدان نقش جهان (سفرنامه مادام دیولافوا)

ج - زمینه‌های اقتصادی

بدون شک برای اروپاییان رها شده از قید و بند های قرون وسطایی و در آغاز تجربه‌های جدید استعمار ملت‌ها، مهمترین جنبه مسافرتها، خطر به جان خریدن‌ها، رنج غربت و دوری از وطن را تحمل نمودن و... کسب درآمد بیشتر و منافع اقتصادی عظیم‌تر بوده است. برای آنان که از قید و بند آداب و سنن مذهبی کلیساهای خشک رهایی یافته، امور دنیوی تمامی زندگی و فعالیت آنان را پُر نموده بود، هر کجا، به هر قیمت و با هر شرایطی که سود بیشتری عاید می‌شد، مورد توجه قرار می‌گرفت. خواه قلب صحرای خشک آفریقا و خواه سرزمین یخبندان قطب شمال و یا شرق و غرب عالم.

جدال و درگیری دول اروپایی با دولت مقتدر عثمانی گرچه در نگاه اول جنبه مبارزه طلبی برای کسب سیادت سیاسی را در جهان آن روزگار ترسیم می‌نماید ولی مطمئناً ممانعت و سختگیری‌های دولت عثمانی در امر تجارت اروپاییان از طریق خاک این امپراتوری، علت اصلی این اختلافات بوده است. برای اروپاییی که سخت به مواد اولیه ارزان و پرارزش مشرق زمین نیازمند بود، وجود مانعی به نام دولت عثمانی غیر قابل تحمل بود. لذا علاوه بر تلاش در جهت از بین بردن این مانع و

همچنین گشودن راه تجارتنی شمال از طریق خاک روسیه، نمایندگان رسمی و غیر رسمی دولتها و مقامات با نفوذ اروپایی برای مذاکره با شاه ایران به منظور گشودن جبهه جدید جنگی علیه عثمانی راهی ایران شدند. نمایندگانی که در کنار تمامی فعالیت‌های سیاسی، مذهبی و فرهنگی خود، مهمترین هدف یعنی توسعه فعالیت‌های اقتصادی و بهره‌وری بیشتر از ایران را فراموش نکرده‌اند. برخی از این نمایندگان کار را به جایی رساندند که علاوه بر تلاش در جهت تأمین منافع مالی دولت خویش، از پُر نمودن جیب خود نیز غافل نمانده و علی‌رغم خدمات فرهنگی که در راستای شناسایی ایران به جهان داشته‌اند، از این رهگذر به نان و نوایی نیز رسیده‌اند. شاردن و تاورنیه، که در دوران جانشینان شاه عباس به ایران مسافرت کرده‌اند، دو نمونه از این افراد می‌باشند که شغل اصلی آنها تجارت الماس، طلا و جواهر فروشی بوده است.^{۱۲} با در نظر گرفتن این مطالب، اکنون وقت آن است که نگاهی به عوامل اقتصادی که موجبات جذب بیشتر افراد خارجی را به شهر اصفهان فراهم آورده است، داشته باشیم.

۱۲- غلامرضا وهرام. منابع تاریخ ایران در دوران اسلامی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۱، ص ۱۰۵.



بازار جلفا
(سفرنامه
مادام دیولانوا)

۱- تجارت پرسود در شهر اصفهان

یکی از جنبه‌های اقتصادی شهر اصفهان که بارها مورد تأیید سیاحان این دوران قرار گرفته است، تجارت پرسود شهر اصفهان بوده است. تجاری که به هر صورت و با هر کالایی قدم به شهر اصفهان می‌گذاشتند، به راحتی اجناس خود را در بازارهای شهر ارائه می‌نمودند. میدان نقش جهان که در حکم بازار مکاره‌ای برای این دوران بوده است، بدون کوچکترین محدودیتهایی، پذیرای فروشندگان جزء بوده است. اکثر اروپاییانی که این میدان را مشاهده کرده‌اند، آن را به لحاظ سوددهی اقتصادی اش ستوده‌اند. توماس هربرت که در سال ۱۰۳۷ هـ ق فعالیت‌های اقتصادی این میدان و بازار منتهی به آن را از نزدیک مشاهده کرده است، آن را مجلل‌ترین و مطبوع‌ترین و خوشبوترین بازار در سراسر جهان معرفی نموده و آن را شبیه مرکز بورس لندن معرفی می‌کند^{۱۵} و شاردن آن را همگانی‌ترین بازاری که دیده است، معرفی می‌کند.^{۱۶} میدان و مجموعه بازار اطراف آن، مرکز فروش همه نوع کالا و همچنین کالاهای نادر و کمیاب و ابریشم و جواهرات - که اروپاییان علاقه شدیدی به آن داشتند - بود. هارتون درهوهانیان مؤلف تاریخ جلفای اصفهان از داد و ستد مروارید، ابریشم،

پارچه‌های لطیف و انواع جواهر یاد می‌کند که از اقصی نقاط عالم تهیه و در این میدان عرضه می‌شد.^{۱۷}

نکته دیگر رونق تجاری اصفهان که اروپاییان را به این شهر می‌کشاند، نرخ پایین مالیات، در مقایسه با اروپا، و مهمتر از آن نرخ بسیار پایین مواد خوراکی و نیازمندیهای اولیه آنان بوده است. این دو مسأله که سوددهی بیشتری را برای اروپاییان به همراه داشته، به حدی برای اروپاییان جالب توجه و جذاب است که دلاواله را بر آن داشته که در نامه‌های خود به آن اشاره کند و از نرخ پایین مرغ، سخن به میان آورد. موردی که به قول خود دلاواله در ایتالیا اصلاً قابل تصور نبوده است.^{۱۸}

علاوه بر مسائل فوق امکانات رفاهی و امنیت کاملی که در راهها و همچنین در شهر اصفهان برای خارجیان فراهم شده بود، زمینه جذب بیشتر آنان

۱۵- عبدالحسین نوایی. ایران و جهان (از مغول تا قاجاریه)، جلد اول، تهران، نشر هما، چ سوم، ۱۳۷۰، ص ۲۳۶.

۱۶- شاردن، همان، ص ۱۱۵.

۱۷- هارتون درهوهانیان. تاریخ جلفای اصفهان، ترجمه لئون میناسیان و محمدعلی موسوی فریدنی، نسخه آماده چاپ، ص ۱۱۹.

۱۸- دلاواله، همان، ص ۶۰.



خیابان چهارباغ
(سفرنامه
مادام دیولافوا)

دلان پول و رباخواران که اکثر قریب به اتفاق آنان را هندی‌ها تشکیل می‌دادند، برطرف می‌کردند. اگرچه حضور و فعالیت جدی این دو گروه در اصفهان زمان شاه‌عباس محدود است لیکن در اندک زمانی پس از مرگ شاه‌عباس، حضور حداقل ده هزار هندی که در این زمینه فعالیت داشته‌اند، در اصفهان گزارش شده است.

در میان متابع و متون تاریخی دوره صفویه از بهره بسیار بالای پول در اصفهان گزارشهایی رسیده است. بهره‌ای معادل صدی سی و بیشتر که تاورنیه به آن اشاره می‌کند،^{۲۰} اگرچه از یک سو مشکلات عدیده‌ای را برای اهالی و تجار شهر و اروپاییان فراهم می‌آورد، اما برای بانیان هندی ساکن شهر که با انجام این کار در مدت کمتر از دو سال، سرمایه اولیه خود را به چند برابر افزایش می‌دادند، بسیار مطلوب و جذاب بوده است، بنابراین می‌توان آن را به عنوان یکی از عوامل جذب صرافان هندی به اصفهان در نظر گرفت.

۱۹- ویلم فلور. *اولین سفرای ایران و هلند*، به کوشش حسین ابوترابیان و داریوش مجلسی، تهران، انتشارات کتابخانه طهوری، ۱۳۵۶، ص ۳۱.

۲۰- تاورنیه، همان، ص ۵۱۳.

را فراهم می‌کرد. کاروانسراهای متعدد و بزرگ که امکان باراندازی، آسایش و اسکان کاروانها را فراهم می‌کرد، توأم با بذل توجه شاهان به هیأت‌های سیاسی که به اصفهان می‌آمدند، زمینه تبلیغ و جذب اروپاییان را برای مسافرت به شهر اصفهان فراهم می‌آورد.

۲- رونق فعالیت‌های پولی - بانکی در اصفهان

فعالیت‌های تجاری گسترده شهر اصفهان نیازمند یک نظام بانکی منظمی بود که متأسفانه به دلیل بی‌اطلاعی دولتمردان صفوی از آن، اثری از این نظام پولی در شهر اصفهان مشاهده نمی‌شود، اما نبودن نظام دلیلی بر بی‌نیازی از آن نیست بلکه هدایت و جریبان پول، حواله، اسکناس و... از شروط اصلی تجارت پویا می‌باشد، بنابراین تلاش شاه‌عباس برای خارج نشدن پول از کشور و دریافت پول نقد در قبال فروش ابریشم، برای اروپاییان مشکلاتی را به وجود می‌آورد که ویس نیخ، نماینده کمپانی هند شرقی هلند، به آن اشاره کرده و می‌افزاید که تهیه پول نقد برای هلندی‌ها مشکلات سختی را به وجود آورده است.^{۱۹}

مشکل کمبود پول نقد در اصفهان را، که می‌باید به طریقی معقول و از سوی دولت حل می‌شد،

۳- آزادی فعالیت‌های تجاری در اصفهان

یکی از نکات بارز سیاست‌های شاه‌عباس، آزادی و گسترش تجارت در ایران است. پس از انتقال پایتخت به اصفهان، این شهر به‌عنوان مهمترین قطب تجاری کشور با توجه به نزدیکی به سواحل جنوبی، نقش خود را در زمینه اجرای سیاست‌های اقتصادی شاه‌عباس به‌خوبی ایفا نمود. شاه‌عباس به‌منظور انجام اهداف خود از هیچ کوششی فروگذار نکرد و با در اختیار گرفتن تجارت ابریشم یعنی مهمترین کالای صادراتی ایران، به تجارت دولتی قوام و ثباتی خاص بخشید. در این راه، مهمترین اقدامات او استفاده از صاحبان استعداد تجارت یعنی ارامنه ساکن جلغا از یک‌سو و تلاش برای صدور هر چه بیشتر ابریشم به اروپا از سوی دیگر بود. در میان اعضای هیأت‌های اعزامی از اصفهان به دربارهای اروپایی، تاجر و دلال ابریشم نیز وجود داشته است و حتی در یک مورد، شاه به دلیل عدم موفقیت یکی از این تجار، شخصاً او را به کام مرگ می‌فرستد.

شاه‌عباس علاوه بر این اقدامات، تسامح و گذشت محسوسی را در قبال احداث تجارتخانه در اصفهان برای اروپاییان از خود نشان داده است. علاوه بر تجارتخانه که با عنوان مراکز مذهبی و تبلیغی در اصفهان تأسیس می‌شود، احداث شعبه اصلی کمپانی هند شرقی هلند در اصفهان - که موفقیتی عظیم برای ویس نیخ نماینده کمپانی، محسوب می‌شد - طبیعتاً زمینه را برای رقابت دیگر دولتهای اروپایی فراهم می‌آورد. آنان نیز برای کسب چنین امتیازی راهی اصفهان می‌شوند و همین امر خود موجبات توجه بیشتر اروپاییان را به شهر اصفهان فراهم می‌آورد.

د- زمینه‌های فرهنگی

جاذبه‌های فرهنگی ایران و شهر اصفهان، همواره یکی از مهمترین علل جذب جهانگردان به ایران محسوب شده و می‌شود. با نگاهی اجمالی به عواملی که زمینه‌ساز جذب افراد خارجی به

اصفهان در دوره شاه‌عباس معرفی شدند، به‌خوبی می‌توان دریافت که زمینه‌های قبلی عموماً مقطعی و گذرا بوده است، اما آنچه که به‌طور تدریجی و همیشگی مشتاقان و سیاحان را به اصفهان کشانده است، جنبه‌های فرهنگی می‌باشد. ناگفته نماند که ممکن است جنبه‌های فرهنگی جذب جهانگردان به اصفهان منحصر به اصفهان نبوده و مجموعه عوامل فرهنگی‌یی که در اصفهان به‌عنوان پایتخت صفویان جمع شده بود، این جاذبه را ایجاد کرده باشد. آثار فرهنگی و هنری موجود در اصفهان در دوره مورد بحث، متعلق به تمامی ملت ایران است، اما همه در یک مجموعه جمع شده و بر همین اساس به حق آن را «نصف جهان» گفته‌اند.

با این مقدمه لازم می‌نماید تا علل و عوامل فرهنگی جذب جهانگرد به اصفهان را در دوره مورد نظر بررسی نماییم.

۱- جاذبه‌های ادبی و علمی شهر اصفهان

اصفهان در دوره صفویه بویژه زمان شاه‌عباس مهد تعلیم و تربیت و پرورش بزرگمردانی می‌شود که علی‌رغم غفلت عمومی بیگانگان از آنان، مردانی از اهل فکر و اندیشه در میان همین سیاحان پیدا شدند که با معرفی اجمالی این بزرگمردان عالم اسلام، زمینه را برای تحقیق و پی‌جویی بیشتر برای سایر اروپاییان و... فراهم آوردند.

اولناریوس و کمپفر که در گزارشها و پژوهشهای خود جنبه‌های فرهنگی و ادبی شهر اصفهان و ایران را مد نظر داشته‌اند، گاه به اقداماتی دست زده‌اند که پیش‌درآمد مسافرت‌های بعدی و تحقیقات تکمیلی برای اروپاییان محسوب می‌شود. علاقه‌مندی دلاواله به شعر و ادبیات ایرانی، کوشش برای ترجمه اشعار حافظ از جانب اولناریوس، و تصمیم کمپفر در ترجمه کتاب جامع عباسی شیخ بهائی^{۲۱} و... نمونه‌هایی از این اقدامات می‌باشد.

۲۱- انگلبرت کمپفر. سفرنامه کمپفر، ترجمه کیکاووس جهاننداری، تهران، انتشارات خوارزمی، چ سوم، ۱۳۶۳، ص ۱۷۹.

عباسی می‌نویسد: «تزیینات این مسجد، شگفت‌انگیز است» و در معماری اروپایی ما نظیر ندارد.^{۲۶}

بی‌شک همین توصیفات بوده که اروپاییان را به سمت اصفهان کشانده و می‌کشاند. بدایت و لطافت آثار معماری اصفهان از دوره شاه‌عباس به‌حدی است که ویلفرد بلانت می‌نویسد: «اصفهان یادبود شاه‌عباس است، ساختمان می‌خواهی تماشا کنی، بیا اینجا».^{۲۷}

اما سخن آخر:

تأمل و تعمق در آنچه که به‌عنوان زمینه‌های جذب جهانگردان به اصفهان در یک مطالعه موردی بحث و بررسی شد، راهکارهایی را برای مسئولان ما که در تلاش‌اند تا زمینه‌های ایرانگردی و جهانگردی را گسترش دهند، به همراه دارد. توجه به آنچه که موجب جذب و جلب و تعلق خاطر به شهر اصفهان در دوره مورد بحث شده است، اگر با تغییرات اندکی و به‌صورت معقولی درآید، بی‌شک دستاوردهای عظیمی در پی خواهد داشت. ناگفته نماند که توجه و ارزش نهادن به جنبه‌های ثابت و همیشگی جذب گردشگران، موفقیت بیشتری را نصیب ما خواهد کرد. به امید آن روز.

۲۲- محمدطاهر نصرآبادی. تذکره نصرآبادی، به تصحیح حسن وحید دستگردی، تهران، انتشارات ارمغان و ابن‌سینا، ۱۳۱۷، ص ۳۹.

۲۳- مهدی بیانی. احوال و آثار خوشنویسان (جلد اول و دوم)، تهران، انتشارات علمی، دوم، ۱۳۶۳، ص ۵۲۷.

24 - S.H.Nasr: spiritual movements, philosophy and theology in the safavid period, in the cambridge History of Iran, (ed). Peter jackson, vol. 6, cambridge university press, 1993, P.675.

۲۵- لوتی، همان، ص ۱۹۷.

۲۶- شاردن، همان، ص ۱۱۸.

27- Blunt. Wilfrid: Isfahan pearl of persia, Elek book limited, 1966, P.13

اگرچه اروپاییان از سالیان قبل و سایر ملل جهان از همان دوران صفویه سعی در به‌دست آوردن و نگهداری آثار علمی و ادبی ایرانیان نموده‌اند، لیکن در این دوره نمودی بیشتر به خود می‌گیرد. شاه انگلستان از کمپانی هند شرقی درخواست چند قطعه از خطوط ایرانی را می‌نماید، نرخ بالای نقاشی‌های صادق‌بیگ افشار در میان تجار هندی،^{۲۲} برپایی مجالس سوگواری در عزای میرعماد در هند و عثمانی،^{۲۳} جایگاه رفیع میرفندرسکی نزد هندوها^{۲۴} و... همگی زمینه‌های تعلق خاطر دیگر ملل جهان را به ایران و شهر اصفهان نشان می‌دهد، تعلق خاطری که آنان را به سوی اصفهان می‌کشاند.

۲- آثار معماری و هنری اصفهان

اصفهان به‌عنوان موزه هنر و معماری اسلامی از دیرباز مورد توجه سیاحان و جهانگردان مسلمان و غیرمسلمان قرار گرفته است. حفظ و حراست و تکمیل ساختمانهای قدیمی موجود در شهر در دوره‌های مختلف تاریخی، زمینه را برای جلب و جذب فاتحانی که خود به‌زودی مغلوب فرهنگ این دیار می‌شدند، فراهم آورده است، به گونه‌ای که یکی از زیباترین آثار اصفهان - محراب اولجایتو - متعلق به یکی از ویرانگرترین دولت‌های تشکیل شده در ایران یعنی مغولان می‌باشد.

پس از پایتخت شدن شهر اصفهان و به‌منظور برتری‌سازی شهر اصفهان نسبت به شهرهای بزرگ مشرق‌زمین و تبدیل آن به شهری که شایستگی حکومت شاه‌عباس را داشته باشد، ساختمانهای جدیدی در شهر به‌سرعت رویش گلها در فصل بهار، بنا نهاده شد^{۲۵} و آنچنان بر عظمت و زیبایی شهر افزود که تمامی سیاحان منصف اروپایی را به تحسین آن واداشته است. دلاواله، فیگوئروا، اولتاریوس، شاردن، کمپفر و... همگی ضمن شرح و توصیف دقیق ساختمانها و آثار معماری بدیع اصفهان، آنها را در مقایسه با آنچه که دیده‌اند، در ردیف بالاتری قرار می‌دهند. زیبایی خیره‌کننده برخی از این ساختمانها، اروپاییان را به تعجب واداشته، به گونه‌ای که شاردن در توصیف مسجد جامع